

«زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی»

مؤلف: محمد دبیرمقدم

ناشر: سخن

سال نشر: ۱۳۷۸

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۵۸۰

نقاط قوت:

- نگارش یک دست
- صفحه‌آرایی خوب
- حروف نگاری خوب
- معادل سازی مناسب اصطلاحات
- انطباق محتوا با عناوین و فهرست
- نظم و انسجام منطقی اثر
- کتابخانه جامع

نقاط ضعف:

- زبان سنگین و نارسا
- حجم اثر زیاد است
- طرح جلد تیره و نامناسب است
- به تنهایی نمی‌تواند منبع مناسبی برای یک درس در دوره کارشناسی‌ارشد باشد
- مثال انگلیسی فراوان است
- ارائه مستقیم آرای زبان‌شناسان خارجی به شکل انبوه

۱۱۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- عدم نوآوری و ترجمه مطالب از منابع متعدد
- نپرداختن به مبحث زبان آموزی

پیشنهادهای:

- اضافه کردن بخش‌های مختلف و استفاده از مثال‌های فارسی
- کاستن از مباحث متعدد نظری از سوی زبان‌شناسان مختلف و پرداختن به رگه‌های اصلی از مسائلی است که می‌تواند در بهبود اثر مفید باشد.

نقد تفصیلی:

نگارش اثر به تدریج از ابتدای کتاب به انتهای کتاب، و گاهی بسته به موضوع مورد بحث (در فصول کتاب) به روانی و سادگی پیش می‌رود. شروع کتاب در فصل اول: «نگرش‌های مسلط در زبان‌شناسی نظری امروز»، بسیار سنگین و پیچیده بیان شده است. سازمان دهی مطالب و عنوان بندی زیر بخش‌ها انجام نشده است، بطوری که تمامی مطالب یک فصل مهم و فصل اول که بایستی خوانندگان را با طرح کتاب و مطالب طرح شده در کتاب آشنا کند، بطور تمام و کامل به بحث و بررسی مطالب نظری زبان‌شناسی که پایگاه‌های فلسفی و روانشناختی دارد می‌پردازد. در ضمن این که مطالب این فصل بیشتر از دیگر فصل‌های کتاب رنگ و بوی ترجمه دارد. در بسیاری موارد جمله‌های طولانی وجود دارد. من مطمئنم که بسیاری از فارغ التحصیلان کارشناسی ارشد زبان‌شناسی از فهم مطالب فصل اول، نه به دلیل محتوای غنی و سنگین، بلکه به دلیل جملات طولانی و سنگین عاجزند. عدم طرح ریزی فصل اول و تقسیم کردن آن به زیر بخش‌ها و حتی پاراگراف‌های پی در پی به ویژه در صفحه ۲۰ تا صفحه ۲۶ کتاب که نویسنده محترم سعی دارد «چند خصیصه همچنان استوار و ثابت قدم» دستور زایشی را بیان کند، کاملاً آشکار است. به کار بردن اصطلاح «ثابت قدم»، «استوار» برای «دستور زایشی» خود از آن پیچیده نویسی‌ها و ناروان نویسی‌های کتاب است. نویسنده می‌بایست هر یک از «خصیصه‌ها» را، که باز هم کلمه‌ای نارساست و بایستی از کلمه‌ای مانند «مشخصه» یا «ویژگی» استفاده می‌کرد، شماره گذاری می‌کرد، و برای هر یک پاراگراف یا پاراگراف‌های مجزایی اختصاص می‌داد. بعد از خواندن چند پاراگراف از این صفحات، خواننده یادش می‌رود که نویسنده درباره

چه صحبت می‌کند. به طور کلی فصل اول کتاب بزرگترین ضعف کتاب است و بسیار پیچیده و غیر قابل فهم نگاشته شده است. به تدریج که نویسنده به موضوع‌های خیلی خاص و مشخص در فصل‌های بعدی می‌پردازد، چون موضوع کار واضح و خاص است، سبک نگارش ساده‌تر و روان‌تر می‌شود. کاربرد برخی کلمات و عبارات ثقیل و سنگین، همانند «معضل» (در ص ۲۸۸)، «عوامل متنوع»، و ... که به تدریج به آن‌ها اشاره خواهد شد، کتاب را از روانی برای خواندن دور می‌کند. برای مثال در ص ۲۸۸ پاراگراف آخر، خط دوم، نویسنده محترم می‌نویسد: «اکنون زمان آن رسیده است که از افق تازه‌ای که فیلمور به نقش حالت‌ها می‌نگرد و به اعتقاد او این افق گرهی از معضل فوق الوصف می‌گشاید سخن بگوئیم.» بدیهی است که جمله روان نیست و جمله‌ای ساده و فاقد هر گونه محتوای معنایی که تنها برای بیان این مطلب است که اینک نکته جدیدی در مورد بحث قبلی بیان می‌کنیم، نیاستی این همه پیچیده و نارسا باشد. در همان ص ۲۸۸ گوینده از واژه «حادثه» در ترجمه event استفاده نموده که بجا نیست و بهتر بود که از واژه «واقعه» استفاده می‌کرد.

برخی اشکالات بشرح زیراند:

مثال‌های انگلیسی که از منابع اصلی نقل شده دارای شماره‌گذاری لاتینی/ انگلیسی ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ... هستند. ولی هنگام اشاره به این مثال‌های بطور متناوب از شماره گذاری الفبای فارسی/ عربی یا از شماره گذاری لاتینی/ انگلیسی استفاده شده است. برای مثال در ص ۲۸۹ در یک پاراگراف برای ارجاع به مثال (40a-b) از (40a) و (40b) و جای دیگر از (۴۰) استفاده شده است.

در ص ۲۹۰ برای اشاره به مثال شماره (41) از (۴۱) در متن نوشته استفاده شده است در ص ۴۳۶ برای اشاره به مثال شماره (2) از نگارش لاتینی/ انگلیسی (2) استفاده می‌شود؛ ولی برای اشاره به مثال (1) در همان صفحه از نگارش فارسی/ عربی (۱) استفاده شده است، که یکدست نیست. همین شیوه در اشاره به مثال‌ها در ص ۴۳۹ و دیگر صفحات کتاب مشاهده می‌شود که گمراه کننده است.

۱۱۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

در کتابنامه و هنگام رجوع به عنوان کتاب‌ها، گاه گاهی حرف اول هر واژه عنوان کتاب‌ها و مقاله‌ها تماماً با حروف بزرگ، گاهی تنها حرف اول واژه اول بزرگ است. برای مثال در ص ۵۳۰:

Chomsky (1975) Syntactic Structures,

ولی در ص ۵۳۱

Chomsky (1975) Reflections on language, ...

Chomsky (1972a) Language and mind, ...

همین عدم وجود یکنواختی در ص ۵۴۴ کتابنامه و در همه جاهای دیگر کتابنامه مشاهده می‌شود که بایستی یکسان شود.

بازهم در کتابنامه گاهی بعد از عنوان کتاب یا مقاله علامت «.» قرار داده شده، ولی در جاهای دیگر علامت «» به کار رفته است برای مثال در صفحه‌های ۵۳۰ و ۵۳۱ در ارائه کتاب‌های Chomsky در دو مورد بعد از عنوان کتاب علامت «.» وجود دارد و در چند علامت «» علت این تمایز هم مشخص نیست.

– حجم کتاب برای یک درس ۳ واحدی دوره فوق لیسانس مناسب نیست و زیاد است. کتاب را نبایستی منحصر به یک درس کرد.

– اصطلاحات تخصصی به طور گسترده در سراسر کتاب به کار رفته‌اند و نویسندگان محترم تلاش کرده است معادل‌های فارسی مناسب ارایه نمایند. در واژه‌نامه‌های مجزای انگلیسی – فارسی و فارسی – انگلیسی اصطلاحات معادل‌سازی شده‌اند.

کیفیت معادل‌سازی خوب و مناسب است. چنان که پیش‌تر ذکر شد برخی معادل‌سازی‌ها به نظر مناسب نیستند، مانند: «حادثه» برای «event»، که «واقعه» بهتر است. برابر «اسم ناشمردنی» برای واژه «mass» مناسب نیست.

نمونه‌های دیگر از اصطلاحات تخصصی و معادل‌سازی‌های فارسی که به نظر احتیاج به بازنگری دارند، عبارتند از:

(ص ۵۳ کتاب) شکلک‌ها و اصوات: _ vocal gestures

نظریه اصول و پارامترها: _ Principles –and – Parameters theory

که بهتر است «اصل‌ها و پارامترها» بکار رود، نه به دلیل جمع عربی یا جمع فارسی، بلکه به نظر می‌رسد که اصول به خوبی مفهوم اصل را در حالت جمع منتقل نمی‌کند.

رمانتیکیان : Romanticists _

سیرت : Character _

هر چند «سیرت» زبان و «صورت» زبان خوش آوایند و از لحاظ صوتی سازگار هستند، با این حال کاربرد «سیرت ملی» در همان ص ۱۴۴ کتاب در برابر national character و یا چیزی مشابه آن زیبا نیست و اصولاً «سیرت ملی» واژه مناسبی برای آنچه که نویسنده در نظر دارد یعنی «هویت ملی» نیست. لذا بهتر بود برای واژه «character»، از خوش ساختی آوایی صرف نظر می‌شد، و برابر «ماهیت» یا «هویت» انتخاب می‌شد تا نویسنده مجبور نباشد از «سیرت ملی» که اصطلاحی بدون کاربرد است، استفاده کند.

نمودارها و جدول‌های ضروری در جای جای کتاب مشاهده می‌شود. ولی بایستی توجه کرد که کتاب فاقد متنی زنده، با روح و جذب کننده است. بیشتر کتاب بازگویی، ترجمه و تألیف و تنظیم کتاب‌ها و مطالب طرح شده و بحث شده توسط دیگر نویسندگان خارجی است و نویسنده تنها بازگویی و طرح دوباره آن مطالب راه همراه با ترجمه (نهانی) آن‌ها به عهده دارد. لذا متن کتاب گیرایی یک بحث زنده و پویا را در بسیاری جاها ندارد. بحث مقدماتی در ابتدای هر فصل وجود دارد، اما زیر بخش جداگانه‌ای همراه با عنوان «مقدمه» در ابتدای فصل‌ها وجود ندارد.

تمامی فصل‌ها همچون متنی طولانی، یکنواخت و فاقد بخش بندی‌های درون فصلی است، بطوری که هر فصل خود به چندین بخش تقسیم می‌شود و بخش‌ها نیز دارای مقدمه بحث و نتیجه‌گیری باشند. کتابی جدی و موضوعی جدی و با اهمیت همانند «زبان‌شناسی نظری» بدون شک انجام این کار را سزاوار بود که نویسنده محترم بدان نپرداخته است. تمامی فصل‌ها فاقد «نتیجه‌گیری نهایی» اند.

۱۱۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

بدون شک نویسنده محترم تمامی تلاش خود را به کار بسته است که کتاب و محتوای آن جامع کلیه موضوعات مطرح در زبان‌شناسی نظری - دستور زایشی باشد. ولی به زبان‌شناسی ساختگرا پرداخته نشده است. پیامدهای تکوین دستور (نحوی) زایشی برای نظریه‌های ساختوازی مطرح در دستور زایشی به هیچ وجه بررسی نشده است که ضعف اثر به حساب می‌آید. کتاب برای درسی خوب است که دارای هدف تاریخی تکوین دستور صورت گرای زایشی باشد.

محتوای اثر با عنوان و فهرست انطباق تقریباً کامل دارد و تکوین تاریخی نظریه را با تفصیل فراوان، هر چند به نظر می‌رسد که در بسیاری جاها ترجمه گونه باشد، شرح داده است. محتوا، با عنوان و فهرست منطبق است.

شورای عالی برنامه ریزی درسی تک واحدی را، که این کتاب جواب گوی آن باشد، و پیشنهاد نداده است. این کتاب برای درس‌های تاریخ زبان‌شناسی زایشی، مکاتب زبان‌شناسی و آشنایی با نحو دستور زایشی و نظریه‌های منشعب از آن مناسب است.

این اثر می‌تواند برای تدریس درس‌های متفاوتی در حوزه زبان‌شناسی نظری و زبان‌شناسی کاربردی به کار گرفته شود. به طور خاص به عنوان بخشی از درس «مکاتب زبان‌شناسی»، بخشی از «نحو دستور زایشی»، و غیره.

داده‌ها و اطلاعات به طور کامل از منابع و مراجع، و به طور خاص چند مرجع مشخص، گردآوری و تهیه شده و مباحث آن به هم ربط داده شده است. روز آمدی و داده‌ها و اطلاعات، اگر هم چیزهایی در متن اثر باشد که چنین است، به مؤلف محترم کتاب بر نمی‌گردد و دستاورد مؤلف محترم به حساب نمی‌آید.

نظم سلسله مراتبی آن که منعکس کننده ترتیب تحولات دستور زایشی است، خوب است. کتاب در مجموع دارای نظم منطقی و انسجام خوبی است. اما شیوه بیان مطالب اثر را خسته کننده و در برخی موارد نامفهوم ساخته است.

کتاب دارای کتابنامه مفصل و جامعی از تقریباً تمامی منابع و آثار موجود و نوشته شده درباره دستور زایشی - گشتاری و نظریه‌های منشعب از آن است و به خوبی

به نظر می‌رسد که مؤلف محترم به این منابع، و منابع و مراجع اصلی نظریه دسترسی داشته و از آن‌ها عالمانه بهره برده است.

میزان دقت در استنادات و ارجاعات اثر خیلی خوب بوده است. به طوری که به تألیفات متعدد یک نویسنده در یک تاریخ/ سال با حروف a,b,c ارجاع شده است، و با دقت با صفحه، پانوش، ضمیمه آثار اشاره شده است. برای نمونه نگاه کنید به ارجاعات صفحه‌های ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۵، ۳۹۶، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۷ و ...

کتاب فاقد جهت‌گیری‌های خاص علمی، فلسفی، اخلاقی و اجتماعی است. اهداف و محتوای کتاب هیچ گونه ارتباطی با ارزش‌ها اسلامی و مسایل مربوط به نظام جمهوری اسلامی ایران ندارد. بنابراین می‌توان به درستی و صادقانه ادعا نمود که اثر هیچ گونه رویکرد (منفی یا متضادی، مستقیم یا غیر مستقیم) نسبت به فرهنگ و ارزش‌های اسلامی ندارد. در اثر حاضر ابعاد سازنده یا مخرب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وجود ندارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

نثر کتاب روان و گیرا نیست. نویسنده باید هر فصل را خود چندین بار با دقت بخواند، ابهامات نوشتاری را بر طرف نماید، و هر فصل را به زیر بخش‌ها، مجموعه‌های کوچکتر تقسیم نموده، و بعد هر یک را در ارتباط با داده‌های قبل و بعد تحلیل و توصیف کند. کتاب به طور خاص، در فصل اول مبهم و گنگ است و دارای اصطلاحات و عبارات تخصصی است که بار معنایی وسیعی دارند و از دوره دوسوسور تا پایان دوره ساختارگرایی را در بر می‌گیرد. و نویسنده تمامی این دوره گسترده را که بخشی از زبان‌شناسی نظری معاصر است در کتاب نادیده گرفته است. عبارات و اصطلاحات و تحولات این دوره بایستی به طور واضح در متن فصل اول گنجانده شود. از مطالعات مربوط به اکتساب زبان اول و تأثیر تحقیقات در این زمینه در تکوین نظریه زایشی در سال‌های ۱۹۸۰ به بعد سخنی قابل ذکر و جدی به میان نیامده است. از محدودیت‌هایی که نظریه‌های اکتساب زبان مادری در نوع و چارچوب نظریه دستوری می‌گذارد هیچ سخنی به میان نیامده

۱۱۸ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

است که جا داشت یک فصل کامل بین فصل هشتم و نهم یا بین فصل نهم و دهم به آن اختصاص داده می‌شد.

پیشنهادهای زیر برای بهبود شکل و محتوای اثر پیشنهاد می‌شوند:

۱- کتاب احتیاج به ویرایش توسط ویراستاری مجرب و مسلط و آشنا به مبانی زبان‌شناسی دارد.

۲- با توجه به سنگین بودن مفاهیم کتاب، ایجاد کمی فاصله بین خط‌ها، در دنبال کردن خط‌ها و نوشته کمک می‌کند.

۳- کتاب بایستی در ابتدای هر فصل تحت عنوان مقدمه هدف از آن فصل و مطالب مطرح شده را به طور کوتاه بیان نموده و بعد این مطالب یا موضوع‌ها را تحت عنوان زیر بخش‌های هر فصل توضیح و تبیین کند و ارتباط بحث‌های مطرح شده در بخش‌ها را در ابتدا و انتهای هر فصل به طور عملی تبیین نماید.

۴- کتاب فصلی تحت عنوان زبان آموزی کودک و نظریه‌های زبان آموزی براساس معیارهای دستور زایشی و تأثیر متقابل این دو را بر هم کم دارد که می‌توان اضافه کرد.

۵- در جای جای کتاب از برخی کلمه‌ها و عبارات کهنه و قدیمی و غیر مصطلح در زبان علمی و رسمی استفاده شده است.

در صفحه ۱۶۱ از واژه‌های «صحت و سقم» استفاده شده است که قدیمی و کم کاربرد است و «درستی و نادرستی» واژه‌های بهتری‌اند. مثال‌های دیگر از این دست عبارتند از:

— «پیش از اختتام این مطلب» (ص ۴۱) — ← پیش از «پایان یافتن / دادن»

— ص ۲۷۲ خط ۴: واژه «... با این مفاهیم عجین دانست» که می‌توان به زبان ساده‌تر گفت «همراه» دانست.

— ص ۱۴۴ سیرت زبان — ← ماهیت زبان / هویت زبان

— سیرت ملی — ← ماهیت ملی / هویت ملی

رمانتیک‌یان که به قیاس با عقلگرایان در صفحه پیش ساخته شده است، بهتر است که «پیرامون مکتب رمانتیک» به کار رود چون که واژه «رمانتیک‌یان» اصطلاح زبان‌شناسی نیست، بلکه اصطلاح مربوط به ادبیات است و لذا خوب است که معادل آن از کتاب داریوش آشوری انتخاب شود، مثلاً واژه «رمانتیست‌ها».

— از عباراتی مانند «فوق الوصف» و «فوق الذکر» و ... در جای جای کتاب به طور مکرر استفاده شده است که بهتر است تغییر داده شود و از معادل‌های فارسی شفاف‌تر مانند «وصف شده در بالا»، «پیش گفته» و ... استفاده شود.

۶- بهتر است که تمامی اصطلاحات تخصصی کتاب با خط تیره تر (Bold) در متن اصلی کتاب مشخص شود.

۷- فصل اول، بطور خاص، بایستی با دقت بیشتر، و روانی و سادگی افزون‌تری زیر بنای فلسفی - تاریخی، روان‌شناسی، و دستوری «نظریه دستور گشتاری» را تبیین نماید. اصطلاحات تخصصی به کار رفته در فصل اول «از - پیش - دانسته» فرض شده است؛ در حالی که لازم است این اصطلاحات در سیر منطقی و تاریخی‌شان، و در بافت و موقعیت علمی‌شان قرار داده شده تا تبیین مناسب از دلیل و شیوه پیدایش «دستور - زایشی» فراهم آید.

۸- فصل ۴ کتاب، «نظریه معیار»، فصل مهمی از کتاب است. مفاهیم فصل تماماً به شیوه «نقلی» ارایه شده، و نه به شیوه نگارشی «توصیفی - تحلیلی». باز هم تیره‌تر چاپ کردن و مشخص کردن اصطلاحات متعدد و از دیدگاه نظری مهم این فصل می‌توانست توجه خواننده را به اهمیت آن‌ها جلب کند. به قدری مطالب و اصطلاحات نظری/ تئوریک این فصل زیاد است که خواننده حتی متوجه اهمیت آن‌ها نمی‌شود، زیرا نویسنده تلاشی در مهم جلوه دادن و متمایز کردن آن‌ها از بقیه توصیفات، و متن کتاب ندارد. شاید باید تکرار کرد که ضعف این فصل و ضعف کتاب به طور کلی غلبه شیوه نگارش نقلی آن است. نویسنده همواره ایده و نظریات دیگران را تا حد ممکن از زبان خود آن‌ها یا نویسندگان دیگر (که در فهرست منابع آورده است) بیان می‌کند. نویسنده خود تحلیل‌گر و توصیف‌گر مطالب در قسمت عمده متن کتاب نیست، بلکه نقل‌کننده و ارایه‌دهنده

۱۲۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

استدلال‌ها و تحلیل‌های آنان است، اما چون نویسنده محترم خود استدلال‌ها و مطالب و داده‌های منابع و مرجع‌های اصلی را انتخاب می‌کند، در بسیاری موارد از ایجاد ارتباط منطقی و ربط دادن مطالب و تحلیل‌های ارایه شده در فصل‌ها عاجز می‌شود، که این امر در فصل‌های نخستین کتاب بیشتر مشاهده می‌شود.

۹- بدون شک کتاب حاصل کار طاقت فرسای چندین ساله است. این کتاب اثری با ارزش است و جای خالی محسوسی را در نوشته‌های زبان‌شناسی ایران پر می‌کند. کتاب بایستی با دقت زیادی مورد ویرایش متنی و علمی (هر کدام مجزا) توسط ویراستاران مسلط به زبان‌شناسی قرار گیرد. اثر بایستی با دقت بیشتر و سرعت کمتری نوشته یا بازنویسی شود، تا مطالب مطرح شده در فصل‌ها، به خصوص فصل‌های یک تا چهار به بخش‌ها و زیر بخش‌های منظم دارای طرح و هدف مشخص و مرتبط به هم تقسیم‌بندی شود. حتماً اصطلاحات تیره‌تر چاپ شده و در صورت امکان، در تعریف و توصیف آن‌ها تمرکز مفهومی بیشتر صورت گیرد. تأثیر نظریه‌های مربوط به اکتساب زبان مادری، که تحت تأثیر تحولات تاریخی دستور زایشی، خود متحول شده‌اند و متقابلاً در تکوین نظریه دستوری اثر مستقیم داشته‌اند، و به طور خاص چارچوب نظری دستور زایشی - و نظریه اصل‌ها و پارامترها - را شکل می‌دهند / داده‌اند، به طور واضح شرح و تبیین شوند. به خصوص در فصل ۴ و فصل نهم (GB) بر اهمیت نظریه اکتساب زبان مادری در تبیین جهانی‌های زبانی شرح داده شود، و تأثیر نظریه‌های اکتساب زبان مادری در طرح و ارایه چارچوب نظریه توسط بنیان‌گذاران دستور زایشی تبیین و تشریح شود.

با این وجود، کتاب اثری با ارزش و دارای محتوای غنی است که جایز در مطالعات و نوشته‌های زبان فارسی سال‌ها خالی بود و آقای دکتر محمد دبیر مقدم با خلق این اثر خدمتی بزرگ به جامعه زبان‌شناسی ایران و شناساندن زبان‌شناسی به ایرانیان کرده‌اند، هر چند نگارنده این نقد بارها شاهد بوده و شنیده است که دانشجویان کارشناسی ارشد و حتی فارغ‌التحصیلان این دوره از درک مطالب آن - تا حدی زیاد، به دلیل شیوه نگارش - احساس ناتوانی کرده‌اند.